

عنوان مقاله:

زبان و ادب فارسی، بستر نواندیشی و تجدد در تاجیکستان

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، دوره 1، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

رضا چهرقانی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران

خلاصه مقاله:

بیداری، نواندیشی و تجددخواهی در کشور تاجیکستان تحت تأثیر آراء احمد مخدوم دانش (1828-1897م) و کتاب نوادرالواقیع او، با جنبش معارف‌پروری آغاز شده، تا امروز ادوار گوناگونی را پشت سر گذاشته و رویکردهای مختلفی؛ همچون نواندیشی دینی، سکولار، مارکسیستی، ملی‌گرا و ... داشته است. در تمامی ادوار یاد شده زبان و ادبیات فارسی به مثابه محمل یا زمینه‌ای برای تکوین تجددطلبی، نواندیشی و موضوعات مرتبط با آن یا ابزاری برای انتقال مفاهیم و آراء نواندیشان این سامان به کارگرفته شده و حتی در برخی مقاطع تاریخی، مقوله زبان، خط یا ادبیات فارسی/ تاجیکی فی نفسه به عنوان عنصری هویت‌بخش برای روشنفکران تاجیکستان موضوعیت یافته است. با عنایت به این موضوع، پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، کوشیده است تا مسأله نقش و تأثیر زبان و ادبیات فارسی در شکل‌گیری و استمرار نواندیشی و تجدد یا دگرگونی و تطور آن در تاجیکستان را بررسی و تحلیل نماید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که زبان و ادبیات فارسی در ارتباط با جریان نواندیشی و تجدد در این کشور و استمرار تاریخی آن، گاه طریقت و گاه موضوعیت یافته است؛ به گونه‌ای که در دوران معارف‌پروری بیشتر آثار روشنفکران و آرمان‌های تجددخواهانۀ ایشان در ژانرها و قالب‌های ادبی عرضه شده‌اند. افزون بر این در ادوار بعد و در تقابل با ظهور و قدرت یافتن پان‌ترکیسم و نادیده انگاشتن هویت و حضور تاریخی تاجیکان در فرارود یا در ماجرای تغییر خط فارسی به روسی یا سیرلیک، مقوله زبان مادری و ادبیات فارسی و حفظ نوامیس زبانی و مواریت ادبی، خود؛ همچون آرمانی مقدس به دغدغۀ اصلی روشنفکران تاجیک در مبارزۀ اجتماعی ایشان بدل شده است.

کلمات کلیدی:

تاجیکستان، نواندیشی، تجدد، زبان و ادبیات فارسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1124253>

